



دکتر حسن‌لی درخصوص مقررات و شرایط شرکت در این جشنواره نیز این موارد را برشمرد: ۱. داستان‌ها در پیوند با شعر، اندیشه، زندگی یا زمانه حافظ باشد؛ ۲. نویسنده در انتخاب موضوع، سبک داستان و زمان رویدادها (معاصر یا گذشته) محدودیتی ندارد؛ ۳. داستان‌های ارسالی به زبان فارسی و حداکثر ۴ هزار کلمه باشد؛ ۴. هر داوطلب می‌تواند با یک یا دو اثر در مسابقه شرکت کند؛ ۵. داستان‌های ارسالی نباید پیش از این در جایی منتشر شده باشد؛ ۶. آثار برگزیده از سوی مرکز حافظ‌شناسی در مجموعه‌ای چاپ و منتشر می‌شود؛ ۷. نویسنده با ارسال اثر داستانی خود و نیز تکمیل فرم ثبت نام، حق انتشار اثر را (در صورت انتخاب از سوی داوران) به مرکز حافظ‌شناسی واگذار می‌کند.

ایشان از حضور خانم دکتر منیژه عبدالمهدی و آقایان احمد اکبریور، ابوتراب خسروی، محمد کشاورز و حسن میرعابدینی به عنوان هیأت داوران جشنواره‌ی داستانی یاد کرد و توضیح داد: اسامی برگزیدگان جشنواره‌ی داستانی حافظ، در مراسم

یادروز حافظ (۲۰ مهرماه ۱۴۰۰) اعلام می‌شود و مراسم اهدای جوایز نیز در شیراز انجام می‌گیرد.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی درخصوص جوایز این جشنواره نیز گفت: مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ، ۴ جایزه برای برگزیدگان بدین صورت در نظر گرفته است: نفر اول مبلغ ۸۰ میلیون ریال به همراه تندیس «همای حافظ» و سپاس‌نامه‌ی ویژه؛ نفر دوم مبلغ ۵۰ میلیون ریال به همراه سپاس‌نامه‌ی ویژه؛ نفر سوم مبلغ ۳۰ میلیون ریال به همراه سپاس‌نامه‌ی ویژه؛ و پنج جایزه‌ی نقدی ۵ میلیون ریالی برای آثار داستانی شایسته‌ی قدردانی.

مدیر مرکز حافظ‌شناسی در پایان یادآور شد: این جشنواره با حمایت پژوهانه‌ی خانم «دکتر زهرا رنجبری»، برگزار می‌شود که از ایشان سپاس‌گزاریم.

گفتنی‌ست: فایل شیوه‌نامه و فرم ثبت نام جشنواره‌ی داستانی حافظ در وبگاه رسمی مرکز حافظ‌شناسی، به نشانی www.hafezstudies.com موجود است.



::: نشست حافظانه :::

درنگی در مداحی‌های حافظ

سیصدوسی و چهارمین نشست تخصصی مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ، به سخنرانی دکتر ایرج شهبازی، عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران اختصاص یافت.

در این نشست که به صورت برخط و با حضور جمعی از ادب‌دوستان، به‌ویژه دوستداران حافظ و حافظ‌پژوهان برگزار شد، دکتر شهبازی با طرح این مقدمه که یکی از مسائل اندیشه‌سوز مطرح برای علاقه‌مندان حافظ این است که چرا او شاهان و وزیرانشان را مدح کرده است؛ سخن خود را آغاز کرد.

وی گفت: این پرسش برای برخی ایجاد شده که آیا حافظ از قماش شاعران درباری بوده که هنر خود را صرف ستایش شاهان کرده است؟

این حافظ‌پژوه با اشاره به اینکه در زمانه‌ی ما برخی روشنفکران و مصلحان اجتماعی، بر حافظ می‌تازند که چرا او به مدح روی آورده است، به تبیین این مسأله پرداخت؛ مرور دیوان حافظ نشان می‌دهد که او انسان آزادی است که سرش به دنیای عقبی فرو نمی‌آید و البته مدح‌هایی نیز در دیوانش دیده می‌شود. پس باید دید که چطور می‌توان این دو بخش از وجود او را با یکدیگر جمع کرد؟

وی گفت: گروهی، مدح‌های حافظ را نمونه‌ای از رندی

زمک تا ملکوتش حجاب برآورد
هر آن که خدمت جام جهان‌فا بکند

حافظ
کرسی پژوهشی

مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ برگزار می‌کند

نشست
سیصدوسی و چهارم

عنوان سخنرانی: درنگی در مداحی‌های حافظ

سخنران:
دکتر ایرج شهبازی

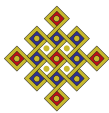
دوشنبه ۲۹ دی ماه، ساعت ۱۸

hafezstudiescenter
بخش زنده برنامه از صفحه رسمی
مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ

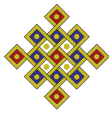
در بستر ابر دراک
<https://derak.live/stream/hafezstudies>

انجمن حافظ‌پژوهان
انجمن حافظ‌پژوهان
انجمن حافظ‌پژوهان
انجمن حافظ‌پژوهان
انجمن حافظ‌پژوهان

او می‌دانند. رندی که می‌تواند مصلحت‌اندیش باشد و کرنش کند و در عین حال آزاد باشد و... اما اگر مفهوم رند را در دیوان او بررسی کنیم درمی‌یابیم که رند در دیوان او مطلقاً اهل چاپلوسی و تملق و مصلحت‌اندیشی نیست. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، برای تبیین چگونگی و چرایی مدح در دیوان حافظ به بیان هفت نکته پرداخت:



آینه دار
زمستان هزار و سیصد و نود و نه
شماره هشتم



۱. **انسان بودن حافظ:** حافظ مانند دیگران، انسانی بوده با خواسته‌ها و تمایل‌های انسانی؛ بنابراین نباید مانند قدیسان با او رفتار کرد یا از او توقع داشت، توقع عصمت از دیگران، بی‌پهوده است.

او افزود: حافظ دچار دو نوع تمایل بوده است، گرایش به تعالی و نیاز دنیایی. او همیشه این دو گرایش را با خود داشته است. به گفته‌ی استاد خرمشاهی او کاملاً انسان بوده و نه انسان کامل.

۲. **برخورداری از حمایت درباره‌ها:** در داوری بزرگان گذشته، باید شرایط زمانی آن‌ها را نیز در نظر داشت و نباید با ذهنیت امروزی به قضاوت گذشتگان نشست؛ چراکه در گذشته اگر تشویق و حمایت درباره‌ها نبود، بسیاری از شاعران و عالمان از فقر و فاقه به تنگ می‌آمدند و فراغت برای پرداختن به علم و ادب نداشتند.

۳. **حجم و محتوای مداحی‌های حافظ:** شاعران مداح وظیفه داشته‌اند که در مناسبت‌های خاص چون شکست و پیروزی و عروسی و... شعر بگویند، اما اشعار مداحی حافظ هم به لحاظ تعداد و هم محتوا با شعر ایشان کاملاً متفاوت است.

۴. **روش کلی حافظ در مدح:** حافظ معمولاً بیت‌های مدحی را بعد از بیت تخلص ذکر می‌کرده، به این ترتیب او بخش مدح را از تنه‌ی اصلی غزل خود جدا می‌کرده است، درحالی‌که شاعران مداح، از ابتدای شعر به مدح می‌پردازند.

۵. **انگیزه و اهداف شاعران از مداحی:** براساس این چهار هدف، مدح‌ها را می‌توان به چهار دسته‌ی متملقانه، باورمندانه، خیرخواهانه و عاشقانه تقسیم کرد: مدح متملقانه از سرترس و طمع برای دفع خطریا جلب منفعتی انجام می‌شود که سلمان ساوجی، انوری و خاقانی در این دسته می‌گنجند؛ مدح باورمندانه که در آن مداح از سر اعتقاد و باور به ممدوح او را مدح می‌کند و شاعری چون ناصرخسرو در این دسته می‌گنجد؛ مدح خیرخواهانه که در آن مداح اعتقادی به ممدوح ندارد، اما وقتی تأثیر قدرت او را می‌بیند، داروی تلخ نصیحت را با شهد مدح می‌آمیزد و سعدی در این گونه مدح آیتی است؛ مدح عاشقانه که در آن شاعر ممدوح را در مقام معشوق خود قرار می‌دهد و مدح سعدی از جوینب، از این گونه است.

دکتر شهبازی در پایان، مداحی‌های حافظ را از دو نوع خیرخواهانه و عاشقانه پرشمرد و گفت: البته غلبه‌ی بیشتر

با مداحی‌های عاشقانه است.

وی برای این موضوع ۵ دلیل برشمرد که عبارتند از: ۱. استفاده‌ی حافظ از قالب غزل برای مدح درحالی‌که در ادبیات فارسی بیشتر از قالب قصیده برای این منظور استفاده می‌شده است؛ ۲. بررسی درخواست‌ها و ملتمسات حافظ در بیت‌های مدحی او نشان می‌دهد که خواسته‌های او بیشتر خواسته‌های عاشق از معشوق است، مانند وصال، لطف، توجه، عنایت و...؛ ۳. پرهیز حافظ از مدح برخی پادشاهان مانند امیرمبارزالدین درحالی‌که او بسیار بانفوذ و قدرتمند بود؛ ۴. حافظ در ضمن مدح مطالب اخلاقی مطرح می‌کند؛ ۵. نگاه حافظ به پادشاهان: او در بسیاری از ابیاتش به پادشاهان بی‌اعتنا بوده است؛ زیرا در جامعه‌ی دلخواه او، رند در بالای هرم اجتماع، قرار دارد نه پادشاه.

نشیست حافظانه :::

منطق تصویر در شعر حافظ

دکتر رحیم کوشش، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، عصر یکشنبه، ۲۴ اسفند ۱۳۹۹ در سیددوسی و پنجمین نشست علمی مرکز حافظ‌شناسی، درباره‌ی منطق تصویر در شعر حافظ سخن گفت.

او سخنان خود را با توصیفی اجمالی درباره‌ی ماهیت تصویر و مراد از منطق در گفتار آغاز کرد. دکتر کوشش به نقل از نظریه‌پردازان صورتگرا در تعریف هنر گفت: هنر، اندیشیدن با تصاویر است. همچنان‌که در زندگی روزمره در قالب کلمات می‌اندیشیم، در دنیای هنر از جمله شعر در چارچوب تصاویر می‌اندیشیم. به تعبیر دیگر تصویر جزو ذاتی شعر است. این نکته در سخنان گذشتگان ما هم آمده است چنان‌که از دیرباز در تعریف شعر گفته‌اند: شعر کلامی موزون، مقفا و مخیل است و از آنجا که امروزه شعری داریم که نه موزون و نه مقفا است و تنها آراسته به تخیل است، می‌توان نتیجه گرفت که تخیل که مهم‌ترین عامل در آفرینش تصویر است، مهم‌ترین رکن شعر نیز هست و درواقع شباهتی شگفت‌انگیز میان کلام صورتگرایان و قدامه بن جعفر وجود دارد. او می‌گوید: شعر اندیشیدن است با زبان تصاویر. صورتگرایان نیز می‌گویند: بدون تصویر هیچ هنری به‌ویژه هیچ شعری وجود ندارد. در نگاه ایشان شعر با تصویر برابر است.

دکتر کوشش با نقد سخن یکی از حافظ‌شناسان معاصر که می‌گوید: این آرایه‌ها و پیرایه‌ها را رها کنید و به معنی بپردازید، سخنان خود را بی‌گفت و این گفته را ناصواب

ز ملک تا ملکش حجاب بردارید
هر آن که خدمت جام جهان‌نا کند

حافظ
کری پژوهشی

مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ‌برگزاری‌اند

نشست
سیصد و سی و پنجم

عنوان سخنرانی: منطق تصویر در شعر حافظ

سخنران:
دکتر رحیم کوشش

یکشنبه ۲۴ اسفندماه، ساعت ۱۸:۳۰

بخش زنده برنامه از صفحه رسمی
مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ
hafezstudiescenter

در بستر ابراراک
https://derak.live/stream/hafezstudies

ایران
کتابخانه ملی
کتابخانه مجلس
کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی
کتابخانه آیت الله العظمی خرمی
کتابخانه آیت الله العظمی مکارم شیرازی
کتابخانه آیت الله العظمی سیستانی
کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی
کتابخانه آیت الله العظمی نوری
کتابخانه آیت الله العظمی هاشمی

می‌کند و این رابطه از پیش موجود نبوده است. سپس با بحث از دو محور جانشینی و هم‌نشینی به بحث از استعاره و تشبیه ادامه داد. دکتر کوشش سخنان خود را با توضیح درباره‌ی دو بیت حافظ به پایان برد. یکی بیت «به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید...» که به‌استناد سخن دکتر شهیدی و با توجه به محور جانشینی و هم‌نشینی در این بیت، می‌را استعاره از عشق دانست و دیگر، درباره‌ی بیت «ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان / مضطرب حال مگردان من سرگردان را» گفت: منطق تصویر در این بیت حکم می‌کند که در کنار چوگان، سخن از گوی نیز باشد. اما حافظ سرگردان، یعنی صفت گوی را به جای خود گوی در بیت آورده است. همچنین در اوستا گوی صفت ماه دانسته شده است. در نتیجه حافظ بی‌آنکه نام گوی را به صراحت بیاورد، میان واژه‌ها در دو محور هم‌نشینی و جانشینی روابط محکمی ایجاد کرده است.

گفتنی‌ست، سلسله نشست‌های مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ در سال ۱۳۹۹، با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، معاونت فرهنگی - اجتماعی و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز برگزار گردید.

دانست و گفت چگونه می‌توان بدون توسل به تصویر به معنی دست یافت؟ زیرا راه رسیدن به معنی توجه‌کردن و تحلیل‌کردن تصاویر در شعر مبتنی بر منطقی برخاسته از روابط خاص میان عناصر تصویر در شعر است.

دکتر کوشش در ادامه گفت: مثلاً در بیت «کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز...» که در برخی نسخه‌ها کشتی شکستگان آمده است، با توجه به تضاد معنایی میان نشستن و برخاستن، روشن است که کشتی نشستگان درست است؛ زیرا در این بیت مفهوم نشستن در برابر مفهوم برخاستن قرار می‌گیرد و حافظی که می‌شناسیم از این تقابل و توازن و تعادل نمی‌گذرد.

او با تکرار این مطلب که برای درک شعر ابتدا باید تصاویر شعری را درک کنیم، افزود: کار شاعر ترکیب‌کردن است و کار خواننده و شنونده، تجزیه و تحلیل کردن تصاویر.

دکتر کوشش سخنان خود را با بررسی آرای سوسور ادامه داد. او گفت: زمانی که از تصویر سخن می‌گوییم به سه مفهوم باید توجه کنیم: ۱. واقعیت، ۲. مفهوم ذهنی گوینده یا شاعر و ۳. مفهوم ذهنی خواننده یا شنونده. کوشش با این مقدمه آرای سوسور و پیرس در باب نشانه را تبیین کرد و گفت: سوسور وقتی از دال و مدلول سخن می‌گوید، ابتدا به واقعیت خارجی توجه ندارد و پیرس نیز ابتدا به موضوع و مصداق در جهان خارجی اهمیت نمی‌دهد. وی در ادامه گفت: واقعیت بیرونی با واقعیت ذهنی و واقعیت ادبی متفاوت است. وقتی حافظ از سرو سخن می‌گوید، مراد او سروی که در جهان بیرون هست، نیست؛ یعنی او به نوعی به مفهوم واقعی سرو نزدیک می‌شود و به نوعی از آن فاصله می‌گیرد که من از آن به فاصله‌ی زیبایی‌شناختی تعبیر می‌کنم؛ وقتی واقعیت بیرونی با واقعیت ادبی متفاوت باشد، بنابراین منطقی بر ادبیات حاکم است که با منطق ارسطویی و علمی متفاوت است.

اما تصویر چگونه شکل می‌گیرد؟ شاعر می‌بیند و می‌شنود و حس می‌کند چیزی را که در جهان بیرون است، سپس تصویری در ذهن او پدید می‌آید و این تصور با کیفیتی که از آن بی‌خبریم با احساسات و عواطف و اندیشه‌های شاعر پیوند می‌خورد و در قالب کلمات در قالب تصاویر درمی‌آید. پس در شکل‌گیری تصاویر آنچه عینی است، ذهنی می‌شود و آنچه ذهنی است دوباره عینی می‌شود، اما این عینیت دوم با عینیت اول متفاوت است؛ بنابراین نوعی حرکت از صورت به سمت معنی در تحلیل شعر باید انجام داد. او همچنین اصطلاح کشف رابطه میان مشبه و مشبه‌به را نادرست دانست و گفت: شاعر میان دو سوی تشبیه رابطه‌ای برقرار

